

گرایش‌های هنرمندان

مؤلف: سم فیلیپس

ترجمه: ماتی فرسایبی و هانیه رجبی

- ۱ پیدایش هنرمدردن ۱۱
- ۲ هنرمدردن در آغاز سده بیستم ۲۷
- ۳ هنرمدردن در میان سده بیستم ۷۳
- ۴ هنرمدردن در پایان سده بیستم ۱۱۳
- ۵ سده بیست و یکم ۱۳۳

دریافت‌گری در اواخر سده نوزدهم، توسط گروهی از هنرمندان فرانسوی شکل گرفت که بسیاری از سنت‌های قراردادی هنر رسمی را نادیده انگاشتند. این گروه به جای ترسیم تصویری عینی از جهان پیرامون، بر ادراک ذهنی و دریافت شخصی خود از موضوعات تأکید ورزیدند. سبک کاری آنها مبتنی بر ضربات پراثری و پرهیجان قلم بر روی بوم و استفاده تجربی از رنگ‌ها بود. جنبش دریافت‌گری به سرعت در سایر کشورهای جهان برای خود جایگاهی دست‌وپا کرد.

ادگار دگا^۱ (۱۸۱۷-۱۸۳۴)؛ ادوارد مانه^۲ (۱۸۲۲-۱۸۳۲)؛ کلود مونه^۳ (۱۸۴۰-۱۹۲۶)؛ پیر آگوست رنوار^۴ (۱۸۴۱-۱۹۱۹)؛ آلفرد سیسلی^۵ (۱۸۳۹-۱۸۳۹)

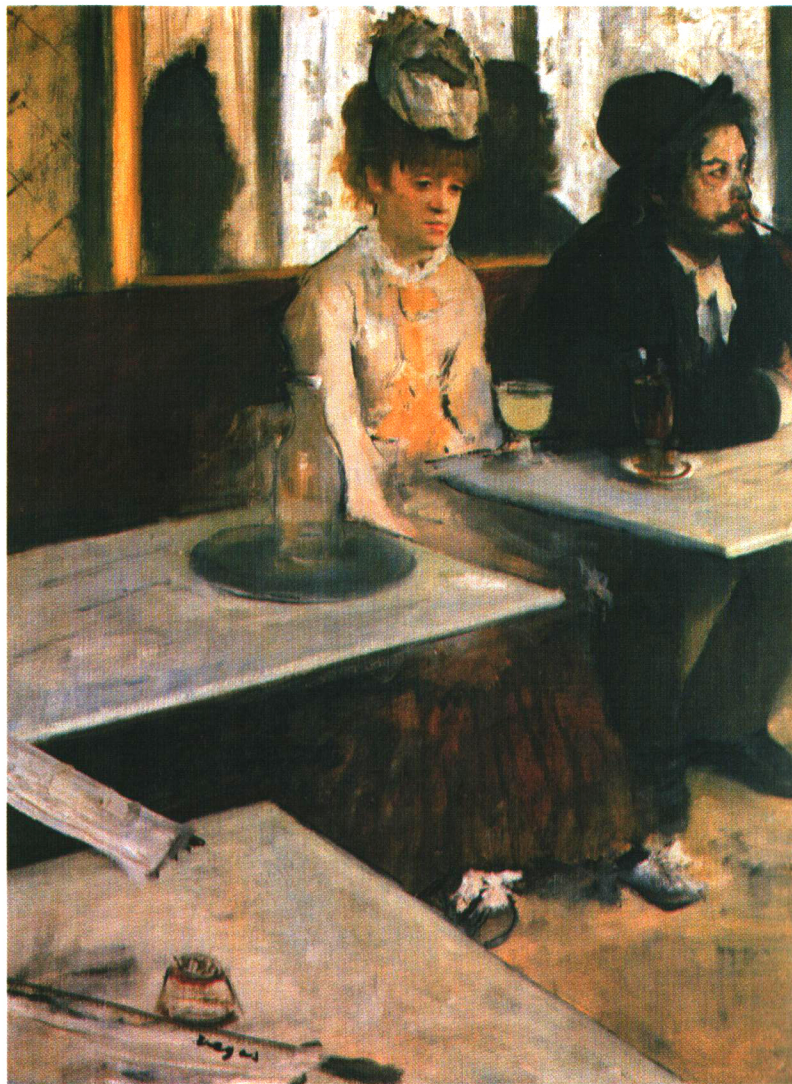
در فضای باز؛ بازی بانور؛ رنگ‌آمیزی خالص؛ ادراک حسی

واژه دریافت‌گری نخست‌بار توسط لویی لروی^۶ ابداع شد و در نقدنامه‌وی بر مجموعه نمایشگاه‌های برگزار شده در «پاریس استودیو» (آوریل ۱۸۷۴) به کار رفت. لروی این واژه را از عنوان یکی از نقاشی‌های کلود مونه (دریافتی از طلوع - ۱۸۷۳) وام گرفته بود که در آن عناصر فراوانی، به شکل یک‌جا به چشم می‌خورد. مجموعه چشم‌اندازها، مناظر و پرتره‌های این تابلو بیشتر شبیه‌انگاره‌هایی مقدماتی بود تا یک نقاشی کامل. اما آن چه برای هنرمندان این مکتب (افرادی مانند پل سزان^۷، ادگار دگا، برت موریسو^۸، کامیل پیسارو^۹، پیر آگوست رنوار و آلفرد سیسلی) نسبت به سایر موارد اهمیت بیشتری داشت، همانا ادراک و دریافت ناگهانی بود. این هنرمندان به راحتی توانایی ترسیم مناظری را در هوای آزاد داشتند که بازتاب‌دهنده ادراک حسی بی‌واسطه‌شان از حس و حال همان لحظه بود. این هنرمندان هم‌چنین قادر به ثبت آنی اشکال (با وجود تمامی هاله‌های مبهم پیرامون و ناپایداری‌ها و سیال‌گونی‌شان) در نخستین لحظه مشاهده آنها بودند. آنها در پی جلوه‌بخشیدن به نقش نور و استفاده از رنگ‌های خالص بودند تا رنگ‌آمیزی اثر بر بیننده تأثیری عمیق گذارد. حتی فعالیت در کارگاه نیز سبب

فروکاستن قدرت اثرگذاری دریافت‌اولیه هنرمندان دریافت‌گر (همانند ادگار دگا) و جایگزین شدن آن با باز نمود واقع‌گرایانه کلاسیک از اشکال نمی‌شد. البته چنین فنونی برای مراکز رسمی و علاقه‌مند به رعایت اصل شباهت تام با جهان طبیعی و ترکیب ابژه‌ها بر اساس تناسب و پرسپکتیو، غریب می‌نمود. هم‌چنین سوژه‌های دریافت‌گران، از سوژه‌های تاریخی و تمثیلی مورد نظر مراکز رسمی آن روزگار فاصله داشت. در بیشتر مواقع انگاره‌هایی از زندگی معاصر بر صفحه بوم نقاشی آنها نقش می‌بست. تغییر عمده دیگر این بود که دریافت‌گران، خود دست به کار بر گزاری نمایشگاه آثارشان می‌شدند و با این کار از قدرت نگارخانه‌های وابسته به مراکز رسمی کاستند. ضمن آن که به دیگران جرأت دادند تا آثار خود را مستقل از مراکز رسمی به نمایش عمومی بگذارند. سبک و سیاق این مکتب توسط ادوارد مانه به روشنی شرح داده شده است. مانه خود از اعضای گروهی بود که نقاشی‌ها و آثار ساختار شکنانه آنها، در نهایت در سال ۱۸۶۰ سبب از هم پاشیدن گروه شد.

اثرپذیری از هنر ژاپنی و استفاده از فنون ترکیب‌بندی آنها به جای فنون مرسوم غربی، از جمله دیگر تغییرات دریافت‌گران در شیوه نقاشی مغرب‌زمین بود. هم‌چنین در حوزه عکاسی نیز شاهد آن بودیم که ابژه‌ها با ترکیب‌بندی از طریق لنز دوربین در گوشه‌های قاب تصویر با یکدیگر پیوند خورده‌اند. در عرصه پیکره‌تراشی، آگوست رودن همین ادراک بی‌واسطه را در ساخت هر سه بعد ممکن آثارش دخالت داد.

به زودی طیف گسترده‌ای از هنرمندان دریافت‌گر در غرب و شرق اقیانوس اطلس پراکنده شدند؛ از نقاشی‌های ماری کست^{۱۱} و وینز لوهومر^{۱۲} آمریکایی گرفته تا آثار والتر سیکرت^{۱۳} و جیمز ابوت مک‌نیل ویسلر^{۱۴} بریتانیایی، زیر مجموعه‌ای از این مکتب به شمار می‌روند. اما در آغاز سال ۱۸۸۰ هنرمندان مبتکر فرانسوی (که جدا از یکدیگر و با استفاده از فنونی یکسره متفاوت مشغول به فعالیت بودند) ز مینه‌ساز بروز جنبش‌هایی شدند که یادری بسط و گسترش اصول مکتب دریافت‌گری بودند، یا به طور کامل در تضاد با آن قرار داشتند.



آثار کلیدی

در کافه (جام اِبسنث) - ۱۸۷۳ - ادگار دگا (موزه اورسی):

دگا بیش از آن که به مناظر روستایی توجه داشته باشد، تمرکز خود را به سمت و سوی محیط‌های شهری معطوف کرده بود. تابلو، تصویر زن و مردی می‌زده را به گونه‌ای نشان می‌دهد که گویی در یک لحظه و از میز کناری، از آنها عکس برداری شده است. ضربات لرزان قلم‌مو، رنگ‌های خشکیده و حالت حزن‌انگیز نقاشی نمایانگر حالت مستی زن و مرد در تابلو است.

دیگر آثار

ناهار در چمنزار - ۱۸۶۳ - ادوارد مانه / باغی در بوردیگرا - ۱۸۸۴ - کلود مونه / شبنم سپید - ۱۸۷۳ - کامیل پیسارو / برف در لاوسینس - ۱۸۷۸ - آلفرد سیسلی

نود دریافت‌گری / پس‌دریافت‌گری

ساختارگری ناب / هنر عامه‌پسند / احساس‌گرایی



دشت کوکنار - ۱۸۷۳ - کلود مونه:

مونه با الهام از زادگاه خویش، یعنی ارزانتوی (شهری در اطراف پاریس) تمامی عناصر یک گردش تابستانی را در حومه شهر به تصویر کشیده است. اشخاص بدون چهره تابلو، بیشتر برای حفظ تناسب خطوط مورب کوکنارها (که به وسیله دو سایه یکدست قرمز ترسیم گشته) نقاشی شده‌اند. شتک‌هایی از رنگ زرد، نخودی، صورتی و آبی سبب برجسته شدن قسمت‌هایی از دشت شدند که با ضربات منقطع قلم و با رنگ سبز تیره ترسیم شده‌اند.